محمد کفاشان، عزت‌الله خیرالله

ارزشیابی مبتنی بر شایستگی براساس آموزه‌های دینی و سند تحول بنیادین

کلیدواژه‌ها:
شایستگی، ارزشیابی، سندتحول بنیادین، عمل صالح، حُسن فعلی، حُسن فاعلی، اتقان و استواری.

مقدمه

ارزشـــیابی پیشـــرفت تحصیلی به معنای بررسی توانایی دانش‌آموز (هنرجو) در انجام اموری اســـت که او طی یک جلســـه یا یک نیم‌ســـال یا یک سال تحصیلی فراگرفته اســـت. شایســـتگی بـــه معنای توانایی انجام کار براساس استاندارد است که شامل شایستگی‌های فنی و غیرفنی می‌شود.

در ســـند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش و ســـند برنامهٔ درســـی ملی به موضوع ارزشـــیابی پیشرفت تحصیلی توجه خاصی شـــده است، از جمله: تأکید بر اســـتفاده از انواع روش‌ها و ابزارهای مطلوب، ارائهٔ شواهد متنوع و انجام مســـتمر و منعطف ارزشیابی با توجه به تفاوت‌هـــای فردی؛ توجه به خودآگاهی، خودارزیابـــی و تصمیم‌گیری دانش‌آمـــوزان؛ حفظ شأن و کرامت انســـانی؛ وجود امکان مشارکت اولیا و مربیان در امر ســـنجش؛ مراقبت نســـبت به نقش محـــوری مدرســـه و معلم؛ طراحـــی و اجرای نظام ارزشیابی نتیجه‌محور مبتنی بر استانداردهای ملی؛ اتخاذ رویکرد ارزشیابی فرایندمحور در دورهٔ ابتدایی و رویکرد تلفیقی در ســـایر دوره‌هـــا؛ تأکید بر کار گروهی و فعالیت جمعی و حل مسئله؛ ارائهٔ گزارش عملکرد تحصیلی و تربیتـــی دانش‌آموز با همکاری خود دانش‌آموز و اولیای مدرســـه و والدین. «تبعیت از نظام و شـــیوهٔ آموزشی در امر ارزشیابی» از نکات قابل توجه این تأکیدات است؛ بدین معنا که تناسب فرایند آموزش و ارزشـــیابی از نکات کلیدی در سند تحول است.

بر همین اســـاس، در آموزش‌های فنی‌وحرفه ای و کاردانش، مبنا و هدف آموزش کســـب شایســـتگی اســـت و لذا برای اطمینان از رســـیدن به هدف، باید ارزشیابی نیز مبتنی بر کسب شایستگی صورت پذیرد. برای ارزشیابی پیشرفتِ تحصیلی که مبتنی بر کسب شایستگی باشد ابزارهایی وجود دارد، از جمله:

- **سنجش عملکردی:** این نوع سنجش شامل سنجش کتبی عملکردی، شناســـایی، شبیه‌سازی شـــده، نمونهٔ کار، پروژه‌های طولانـــی مدت، ۳۶۰ درجه‌ای و... می‌باشد.
- **سنجش مشـــاهده‌ای:** این سنجش براساس فهرست‌وارسی، مقیاس‌های درجه‌بندی، واقع‌نگاری و... صورت می‌گیرد.
- **سنجش عاطفی:** شامل پرسش‌نامه، سنجش تفکیک معنایی، نگرش با مقیاس لیکرت، مصاحبه و... می‌باشد.
- **سنجش تکمیلی:** مصاحبه با کارفرما، مشاهده در حین کار، ســـنجش پیرو و... از مصادیق این نوع سنجش می‌باشند. از این نوع سنجش برای اطمینان

مدل کوه یخ شایستگی

از شایستگی موردنظر در محیط کار واقعی و نیز در کارآموزی و کارورزی استفاده می‌شود.

● **سنجش همه‌جانبه (ترکیبی):** شامل کارپوشه، ۳۶۰ درجه‌ای و دیگر موارد سنجش است. این نوع سنجش‌ها برای سنجش کلی حوزه‌های یادگیری استفاده می‌شوند.

نمونه‌هایی از روش‌های ارزشیابی پیشرفت تحصیلی مبتنی بر کسب شایستگی از این قرارند:

● **سنجش آغازین:** برای ارزیابی ورودی تعیین صلاحیت حرفه‌ای انجام می‌شود.

● **سنجش تکوینی:** برای اصلاح یادگیری صورت می‌گیرد.

● **سنجش تشخیصی:** برای شروع آموزش و معمولاً در محیط آموزش انجام می‌گیرد.

● **سنجش تراکمی:** در انتهای تکالیف کاری و پودمان‌ها و سطوح صلاحیت حرفه‌ای صورت می‌پذیرد.

● **سنجش تکمیلی:** برای کارآموزی و کارورزی و عملیات میدانی انجام می‌شود.

در فرهنگ دینی ما نیز به فعالیت‌های کاربردی، عملیاتی و عامل بودن به دانسته‌ها برای عالِمان و فراگیرندگان بسیار تأکید شده است، به اندازه‌ای که هرگاه علوم کاربردی با عمل همراه نباشند، ذره‌ای ارزش و پاداش ندارند و عالم بی‌عمل مانند زنبور بی‌عسل است که فاقد ارزش است. به تعبیر قرآن، عالمی که به علم خویش عمل نکند، مانند حماری است که باری از کتاب و علوم گوناگون بر او بار شده است که این علوم هیچ گرهی از کار او باز نمی‌کنند (جمعه/ ۵). همچنین، قرآن کریم درجهٔ همهٔ افراد، اعم از نیکوکار و بدکار را در روز قیامت وابسته به عملکرد آن‌ها می‌داند و می‌فرماید: «همهٔ افراد در روز قیامت براساس عملکردشان درجات و مراتبی دارند و پروردگار تو از عملکرد آن‌ها غافل نیست (انعام/ ۱۳۲).

در جای دیگر می‌فرماید: «هرکس در گرو اعمال خویش است» (مدثر/ ۳) و سهم انسان را چیزی جز اعمال او نمی‌داند (نجم/ ۳۹).

همچنین، درخصوص اصالت عمل و شایستگی‌های عملی و رفتاری انسان‌ها روایات فراوانی وجود دارد، از جمله: **امام صادق**(علیه‌السلام) اعمال و رفتار افراد و اقوام را ملاک برتری آن‌ها می‌داند و می‌فرماید: «اِنَّما تَفاضَلَ القَومُ بِالاَعمالِ» [حکیمی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۹۵]. یعنی هر قومی با اعمالش برتری می‌یابد. درجایی دیگر می‌فرماید: هنگامی که پیامبر خدا(صلی‌الله علیه و آله و سلم) مکه را فتح کرد، بر بلندای کوه صفا ایستاد و فرمود: ای

بنی‌هاشم و ای بنی‌عبدالمطلب، من فرستادهٔ خدا به سوی شما هستم. هرگز نگویید محمد از ماست (تا به واسطهٔ این انتساب دست از عمل شایسته بردارید) به خدا قسم هیچ یک از شما و یا غیر شما از من نیست مگر پرهیزکاران نیکوکار و عمل من متعلق به خود من است و عمل شما نیز از آن شماست [همان، ص ۲۹۳].

علم حتی اگر، علم قرآن و علم توحید باشد، اگر با عمل و کاربرد همراه نباشد و رفتار ما را اصلاح نکند، مستوجب خشم و عذاب الهی است. کما اینکه پیامبر اکرم(صلی‌الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هرکس قرآن را فرا گیرد ولی به آن عمل نکند و حب دنیا و زینت‌های آن را برقرآن و دستورات آن ترجیح دهد، مستوجب خشم و عذاب الهی است [همان، ج ۲: ۸۳].

بنابراین، آنچه که باید در بوتهٔآزمایش و ارزشیابی نهاده و شایستگی افراد براساس آن مشخص شود، عمل افراد است به لحاظ شایستگی و نیکویی و لاغیر. زیرا اگر عمل فرد، صالح و شایسته باشد، بیانگر علم و آگاهی او نیز هست. ولی برعکس، داشتن دانش و آگاهی فرد هرگز دلیل عملکرد شایستهٔ او نیست.

چنانچه خداوند متعال درخصوص فلسفهٔ آفرینش می‌فرماید: «لِیَبلُوَکُم اَیُّکُم اَحسَنُ عَمَلاً» و در جای دیگر می‌فرماید: «لِیَبلُوَهم اَیُّهُم اَحسَنُ عَمَلاً».

پس همهٔ آنچه که روی زمین است زینتی برای زمین است، ولی این زینت‌ها (مخلوقات و زیبایی‌های آن‌ها) علت و غایت آفرینش نیستند، بلکه فلسفه و غایت آفرینش این است که شایستگی افراد به لحاظ «حُسن عمل» آزموده شود نه به لحاظ کثرت علم بدون عمل و یا کثرت عمل بدون حسن و نیکویی. تا شایستگی مقام قرب الهی و بهشت جاودان به واسطهٔ حیات طیبه و اعمال نیک و شایسته برایشان فراهم شود. پس، در نهایت ملاک «حُسن عمل» است نه کثرت عمل.

در مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش نیز به طرق متفاوت بر توانایی انجام کار توسط دانش‌آموزان تأکید شده است.

در این مقاله سعی شده است ضرورت ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به شیوهٔ کسب شایستگی عملکردی، از منظر فلسفه و چرایی درسند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش و مبانی نظری آن در علوم و معارف اسلامی، توضیح داده شود.

چرایی و فلسفهٔ کسب شایستگی‌ها با نگاهی به سند تحول

در فرهنگ اسلامی، غایت مشترک همهٔ نهادهای اجتماعی و تربیتی و مقصود نهایی همهٔ فعالیت‌های فردی و جمعی و غایت ارسال همهٔ انبیای الهی و انزال کتاب‌های آسمانی، حرکت بشر در مسیر کمال شایستهٔ خویش، یعنی وصول به مراتبی از حیات طیبه [سند تحول، ص ۱۲۹] و جامعهٔ صالح [همان، ص ۱۳٤] و در نهایت قرب الهی [همان، ص ۱۲۹ و ۱۵۲] است.لذا هدف کلی جریان تربیت در کشور ما نیز باید آمادهٔ ساختن متربیان برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب و مدارجی از این هدف مهم و مقدس در همهٔ ابعاد باشد. [همان، ص ۱۵۲ و ۳۳٦ و ٤٤۳]. بر این اساس، نظام تربیت رسمی و عمومی کشور به‌عنوان یک نهاد اجتماعی و فرهنگیِ سازمان یافته، مهم‌ترین عامل انتقال، بسط و پیشرفت فرهنگ عمومی است که مسئولیت آماده‌سازی و تربیت همهٔ متربیان (افراد بین سنین ٦ تا ۱۸ سال) را برای تحقق مرتبهٔ قابل قبولی از «حیات طیبه در همهٔ ابعاد فردی و اجتماعی و در همهٔ ساحت‌ها و شؤون تربیتی (اعتقادی، عبادی و اخلاقی ـ سیاسی و اجتماعی ـ زیستی و بدنی ـ زیباشناختی و هنری ـ اقتصادی و حرفه‌ای) را برعهده دارد تا زمینهٔ شکل‌گیری و پیشرفت پیوستهٔ هویت انسانی، اسلامی و ایرانی همهٔ آحاد جامعه را فراهم سازد [همان، ص ۳۳٦ و ٤٤۳]. در سند تحول نیز رسالت اصلی نظام تربیت رسمی و عمومی کشور فراهم آوردن زمینهٔ نظام‌مند عادلانهٔ کسب شایستگی‌های فردی، خانوادگی و جمعی لازم برای عموم افراد جامعه، به منظور دستیابی به مرتبهٔ قابل قبولی از آمادگی برای تحقق «حیات طیبه» در همهٔ ابعاد معرفی شده است [همان، ص ۳۳۷].

از آنجا که اولاً: انسانیت انسان در گرو تحقق مراتبی از حیات طیبه و قرب الهی است. ثانیاً: قرب الهی امری آگاهانه، اختیاری و اکتسابی است که خود افراد، در همین جهان و با همین باورها و اعمال برای خود حاصل می‌کنند، لذا نظام تربیت رسمی و عمومی کشور نیز موظف است زمینه و بستر کسب این شایستگی‌ها را برای آحاد جامعه فراهم کند؛ اما کسب این شایستگی‌ها منوط و مشروط به عمل آگاهانه و آزادانهٔ خود متربی است. یعنی در واقع «کسب» بیانگر تلاش آگاهانه و ارادی است که متربی برای تحقق و پیشرفت ظرفیت‌های وجودی

خویش انجام می‌دهد، ولـــی ظرفیت وجودی امری از پیش تعیین شـــده و جبری نیست، بلکه همانند ظرفی خالی اســـت که باید توســـط افکار و اعمال اختیاری و آگاهانهٔ خود فرد پر شود.

لذا شایستگی و کسب آن در نظام تربیت رسمی و عمومی کشور، اولاً: متربی محور است، یعنی رسیدن به شایســـتگی و در نتیجه تحقـــقِ مراتبی از حیات طیبه برعهدهٔخود فرد اســـت. ثانیاً: تحت تأثیر و در تعامل با عناصر موقعیت و برای درکِ و اصلاح مداوم آن از ســـوی خود متربی است. ثالثاً: جریانی مداوم، پیوســـته و مادام‌العمر است [همان، ص ٤٤٠]، زیرا برای تحقق حیـــات طیبیه و غایت آن، یعنی «قرب الهی» است که خود نهایت و پایانی ندارد. بنابراین، «کسب شایستگی» حقیقی اســـت دو مراتب که با افکار، باورها و اعمال اختیاری خود متربی و در تعامل مستمر با عوامل گوناگون محیطی، خانواده، اجتماع و دوســـتان، سیاســـت، فرهنگ، اقتصاد و... شـــکل می‌گیرد و نمی‌توان و نباید متربی را به قبول یا انکار آن مجبور کرد یا نقش علل و عوامل گوناگون را در آن نادیده گرفت و یا آن را در حد معین و محدودی متوقف کرد، بلکه کســـب شایستگی فرایندی است که می‌تواند تا لحظهٔ مرگ و حتی پس از آن و تحت تأثیر آثـــار افکار و اعمال اختیاری و آگاهانهٔ فرد در دنیا، صعود و نزول مستمر داشته باشد.

پس نظام تربیت رســـمی و عمومی کشور باید از طریق ایجاد مدارس صالـــح، منعطف، پویا، بالنده و هدفمند زمینهٔ کســـب این شایســـتگی‌های لازم را در متربیان فراهم کند، به‌گونه‌ای که هر مدرســـه و محیط آموزشـــگاهی، خود جلوه‌ای از تحقق مراتب حیات طیبه و نمونهٔ آشـــکاری از جامعهٔ صالح باشد. جامعهٔ صالح جامعه ای اســـت که بر روی کردن به خدا در حالت تسلیم و رضا استوار باشد نه بر روابط نژادی، خویشـــاوندی یا قبیله ای و نه روابط انتفاعی و ستمگرانه. در این جامعه، که بُعد اجتماعی حیات طیبه به شـــمار می‌آید، پیوندها، خشـــونت‌آمیز یا انتفاعی نیســـتند بلکه ارتباط میان اعضای آن‌ها به ارزش‌های انسانی و اخلاقی مبتنی بر معرفت، محبت و اطاعت از خدا معطوف و استوار است.

پس:

۱. منظـــور از شایســـتگی‌ها ترکیبـــی از صفات و توانمندی‌ها و مهارت‌هـــای فردی و جمعی ناظر به همهٔ جنبه‌های هویت اســـت که متربیان در جهت درک موقعیت خود و دیگران و عمل فردی و جمعی، برای بهبود مستمر آن براساس نظام معیار اسلامی، باید آن‌ها را «کسب» کنند.

۲. منظور از «کسب شایستگی‌ها» عمل آگاهانه و اختیاری متربیان طی فرایند مستمر تربیت است که آنان در زمینه‌های معرفتی، انگیزشی، ارادی و عملی فراهم شـــده از ســـوی مربیان، برای تکوین و تعالی پیوســـتهٔ هویت فردی و جمعی خویش در راستای شکل گیری و پیشرفت جامعهٔ صالح انجام می‌دهند [همان، ص ۱۳۸].

نکتهٔ مهم اینکـــه اولاً: تحقق حیات طیبه به‌عنوان غایـــت تربیت، امری ذومراتـــب و دارای ابعاد فردی و اجتماعی و شـــئون گوناگون عقیدتی، سیاســـی و اجتماعی، زیســـتی و بدنی، زیبا شـــناختی و هنری و ســـرانجام اقتصادی و حرفه‌ای اســـت که در طول زندگـــی و در همین دنیا و با اعمال و افکار اختیاری تک‌تک افراد جامعـــه صورت می‌پذیرد [همان، ص ۳۵۹].

۳. متولی اصلی بسترسازی برای کسب شایستگی‌ها و تحقق آن‌ها، نظام تربیت رســـمی و عمومی کشور است که مدرسهٔ صالح جلوه‌ای آشکار از چنین حیات طیبه‌ای است.

٤. ارزشیابی از وضعیت تربیتی متربیان در راستای تحقق این هـــدف متعالی (حیـــات طیبه) در همهٔ شـــئون و ابعاد، براساس شایستگی‌های تعیین شده برای هر مرحله، براساس سن، شرایط بلوغ جسمی، رشد اجتماعی، اســـتانداردهای برنامهٔ درسی و نظر مربیان صورت می‌گیرد [همان، ص ۳٤۹].

اهمیت و ضرورت ارزشیابی به عنوان یک سنت قطعی و تخلف‌ناپذیر الهی و بشری در مبانی نظری سند تحول بنیادین

امتحان و ارزشـــیابی و تلاش بـــرای تعیین میزان موفقیت افراد در کســـب شایستگی‌ها، برای رسیدن به اهداف موردنظر کل نظام هستی و نیز نظام تربیت رسمی و عمومی کشور، امری عقلانی و الهی است و بدون آن ارتقای علمی و فنی فراگیرندگان و متربیان و به تبع آن، واگذاری مسئولیت به آن‌ها، امری زشت و غیرعادلانه است. بر این اساس است که سند تحول بنیادین نظام تعلیم‌وتربیت رسمی و عمومی کشور یکی از وظایف مهم نظام پژوهش و ارزشیابی کشور را ارتقای ســـطح تربیت از طریق تدارک فرصت‌های تربیتـــی عادلانه برای دســـتیابی همـــهٔ متربیان به مراتبی از حیات طیبه براســـاس تغییر و تحولات در عرصه‌های گوناگون و با توجه به شاخص‌های دینی، ملی و بین‌المللی می‌داند.

همچنیـــن، در آیات و روایات اســـلامی، امتحان و ارزشـــیابی ســـنتی قطعی و تخلف‌ناپذیر برای همهٔ انســـان‌ها، اعم از مؤمن و کافـــر و در همهٔ زمان‌ها، محسوب می‌شـــود، به‌گونه‌ای که بدون آن بحث از بهشـــت و جهنم، پاداش وکیفر، تشـــویق و تنبیه و تحقق عدالت تشـــریعی به ویژه در عالم آخرت و در نهایت مشـــخص کردن مؤمنان و مجاهدان راستین از مدعیان دروغین صبر و جهاد، ممکن نخواهد بود [قلم/ ۱۷؛ اعراف/ ۱٦۸؛ بقره/ ۲٤۹؛ محمد/ ۳۱].

و ایـــن آزمون الهـــی گاهی با خیـــرات و گاهی با شرور، گاهی با گشـــایش نعمت و انواع خوشی‌ها و برخورداری‌هاســـت و گاهی با تنگی معیشت (ترس، ناامنی و ضرر و زیان مالی و جانی) [انبیا/ ۳۵؛ بقره/ ۱۵۵؛ فجر ۱۵ و ۱٦].

لازم به ذکر اســـت، امتحان الهی اعم از خوشی‌ها و ناخوشـــی‌ها، همگی عادلانه و براساس استعدادها و توانایی‌های الهی افراد و به قدر وســـع و توان آن‌ها و متناســـب با داده‌های تکوینی و تشریعی الهی به انسان‌هاست [انعام/ ۱۵۲؛ مؤمنون/ ٦۲؛ مائده/ ٤۸؛ انعام/ ۱٦۵].

بنابراین، تکلیف و امتحان الهی نه بیش ونه پیش از وسع و توان افراد است و نه بیش و نه پیش از داده‌ها و الطاف الهی، بلکه به اندازهٔ وسع و توان افراد و بعد از اتمام حجت‌ها و آگاه‌کردن افراد و توانمندســـازی آن‌هاست.

لذا افرادی که با وجود دانایی و توانایی، در آزمون و امتحان الهی و در عرصهٔ عمل و رفتار مردود شوند، هم در دنیا و هـــم در آخرت قطعاً باید منتظر کیفر الهی و مشـــاهدهٔ عینی آثـــار و نتایج اعمال خویش باشند وگرنه عدالت و حکمت الهی و فلسفهٔ هستی تحقق نخواهد یافت. از ســـوی دیگر، افرادی که به عهد و پیمان خود عمل کرده و در ادعای خود مبنی بـــر ایمان و صبر در راســـتای تحقق امر و نهی الهی پایدار باشـــند و صداقت خویش را با اعمال و رفتار نیکو و با کیفیت خویش اثبـــات نموده و از امتحان

الهی روسفید بیرون آمده باشند، قطعاً هم در دنیا و هم در آخرت حقیقت اعمال و رفتار خود و آثار و نتایج آن‌ها را به‌عنوان پاداش دریافت خواهند کرد.

بر همین اساس، یکی از نام‌های قیامت در قرآن نیز «تُبلَی السَّرائر» [طارق/ ۹؛ محمد/ ۳۱؛ بقره ۲۴۹] است؛ یعنی روزی که حقیقت افراد و صدق و کذب آن‌ها در اظهار ادعایشان آشکار می‌شود، چه اهل بهشت باشند چه اهل جهنم، چه مؤمن باشند چه کافر، چه مجاهد راستین و صابر باشند و چه مدعی دروغین ایمان، صبر و جهاد.

البته این آشکارسازی حقیقت افراد قطعاً بعد از امتحان و اتمام حجت‌های گوناگون الهی صورت می‌گیرد، کما اینکه رسیدن همهٔ انبیا و اولیای الهی به مقام نبوت و امامت مردم، پس از اثبات لیاقت و شایستگی عملی آن‌ها و با امتحانات سخت و دشواری همراه بوده است که قطعاً از عهدهٔ انسان‌های معمولی ساخته نیست [بقره/ ۱۲۴].

بنابراین، امتحان و ارزشیابی در زبان و فرهنگ دینی:

اولاً: یک سنت قطعی و تخلف‌ناپذیر است.

ثانیاً: عادلانه و به اندازهٔ وسع و توان افراد و بعد از همهٔ الطاف و داده‌های تکوینی و تشریعی الهی است.[1]

ثالثاً: مبتنی بر اعمال و رفتار اختیاری و آگاهانهٔ افراد است که در همین دنیا انجام می‌دهند.

کیفیت (اتقان و استواری عمل)، ملاک شایستگی و مقبولیت

در مکتب نورانی اسلام، خدمت به جامعه و گره‌گشایی از کار مردم از مهم‌ترین ارزش‌ها و عبادات الهی و بلکه از مهم‌ترین اجزای عبادت محسوب می‌شود. اما آنچه از خودِکار و عمل مهم‌تر است، دو رکن اصلی آن است که بدون هر کدام، کار نه ارزش دارد و نه اجر و پاداش و چه بسا ممکن است موجب ضرر و زیان مالی و جانی و سبب هدر رفت منابع شود و در نهایت خسارات جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد. در این صورت، شخص عامل هم در پیشگاه خداوند متعال و هم در مقابل مردم باید ضامن و پاسخ‌گو باشد و قطعاً کیفر و مجازات دنیوی و اخروی در پی خواهد داشت. این دو رکن عبارت‌اند از:

۱. کیفیت عمل و انطباق آن با اصول و قواعد علمی و فنی کار یعنی اتقان، استواری و بی‌عیب و نقص بودن کار است. به‌عبارت دیگر قالب و ساختار عمل باید بدون عیب و ایراد و در نهایت اتقان و استواری باشد (حُسن فعلی).

۲. نیت و انگیزهٔ شخص عامل که هدفش از انجام کار باید خدمت و گره‌گشایی از کار خود، خانواده و جامعه و در جهت رضای خداوند متعال باشد (حُسن فاعلی).

قطعاً هیچ‌کدام از این دو رکن نباید فدای زیاده‌خواهی، حرص و طمع، تفاخر و تکاثر، ریا و خودنمایی، عجله و شتاب، تنبلی و بی‌حوصلگی و... فرد یا افرادی شود.

بنابراین، اگر در عباداتی مانند نماز، روزه، زکات، حج و جهاد یا اعمال و خدمات مانند طبابت، تدریس و تعلیم، کار در مزرعه، کارگاه، اداره یا هر عرصهٔ دیگری، اصول و قواعد کار رعایت نشود و کیفیت فدای سرعت و سود و منافع شخصی شود و کار یا خدمت با عیب و نقص به مردم ارائه شود و با قصد ریا و خودنمایی و تفاخر و تکاثر صورت گیرد، قطعاً این کار و عبادت چه نماز و جهاد باشد و چه کار در مزرعه و کارگاه، در هر حال، باطل و فاقد ارزش و چه بسا موجب عقاب و مجازات الهی است. لذا قرآن کریم با تأکید بر حُسن عمل می‌فرماید: «لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً» (تا شما را بیازماید که کدام‌یک از شما نیکوکارتر است) و نفرموده است: «أَكْثَرُ عَمَلاً» و **امام صادق** (علیه‌السلام) در تفسیر این آیه فرمودند: «أَحْسَنُ عَمَلاً». یعنی عمل درست‌تر و نیکوتر، نه عمل بیشتر.

پس آنچه که به عمل اصالت و ارزش می‌دهد کثرت آن نیست، بلکه انگیزه و نیت مقدس فاعل (حسن فاعلی) و کیفیت، اتقان، استواری، بی‌عیب و نقص بودن آن و رعایت همهٔ نکات علمی، فنی، زیست‌محیطی، ایمنی و بهداشتی و... (حسن فعلی) آن است. چه بسا یک کار سست و معیوب، هم منابع و سرمایه‌ها را هدر دهد و هم سلامتی و حیات انسان‌ها را به خطر بیندازد. مثلاً چنانچه برای احداث یک جاده، زیرسازی لازم صورت نگیرد، آسفالت استاندارد به کار نرود، پل‌ها با استاندارد ساخته نشوند و یا در اجرای یک پروژهٔ ساختمانی، نقشه‌ها و مراحل اجرایی کار درست و متقن صورت نگیرد، آهن‌آلات و مصالح طبق اصول و استانداردهای لازم به کار گرفته نشود، تأسیسات آب و برق با عجله و همراه با عیب و نقص اجرا شود و یا در یک مزرعهٔ کشاورزی شخم مناسب، بذر اصلاح شده، آبیاری

به موقع صورت نگیرد یا در تعمیر یک وسیلهٔ نقلیه اصول و استانداردهای لازم رعایت نشود و سود و منافع شخصی و تعجیل در کار سبب تحویل کار بی‌کیفیت، معیوب، ناقص و سست شود، چه بسا خسارات جبران‌ناپذیری برای محیط‌زیست، سلامتی افراد، هدر دادن منابع و اتلاف وقت در پی داشته باشد که شخص عامل در دنیا و آخرت باید پاسخ‌گو و مسئول باشد.

بر همین اساس است که پیامبر اکرم(صلی‌الله علیه و آله و سلم) حتی در مورد احداث قبور اموات نیز دستور بر اتقان و استواری و بی عیب و نقص بودن می‌دادند. لذا **امام صادق** (علیه‌السلام) به نقل از پیامبر گرامی اسلام(صلی‌الله علیه و آله و سلم)

می‌فرمایند: «وَ لَكِنّ اللهَ يُحِبُّ عَبداً إِذَا عَمِلَ عَمَلاً أحكَمَهُ» (خداوند بنده‌ای را دوست دارد که هرگاه کاری را انجام دهد، آن را محکم و استوار سازد). [الحیاة، ج ۱، ص ۲۷٤] طبیعی است که هرچه کار و عمل با کیفیت‌تر، استوارتر و بی‌عیب و نقص‌تر باشد، به همان نسبت، دشوارتر و در نتیجه ارزش و نیز پاداشش بیشتر خواهد بود. امام علی(علیه‌السلام) نیز فرموده است: «أَفْضَلُ الأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ» (برترین اعمال کاری است که خودت را برای انجامش به زحمت بیندازی) [الحیاة، ج ۱، ص ۲۷٤]. آری کار با کیفیت و بی‌عیب و نقص سخت و دشوار است، ولی ثمره و نتیجهٔ شیرینی دارد (صبر تلخ است ولیکن بر شیرین دارد). لذا خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَنْ لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَي الطَّرِيقَةِ لأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقاً» (و اگر جن و انس در راهِ درست پایداری کنند، قطعاً آبی گوارا بدیشان می‌نوشانیم) و مصادیق این پایداری، اتقان و استواری کارها و تلاش برای انجام کار با کیفیت و استاندارد است و قطعاً یکی از مصادیق این آب گوارا، پیروزی و کامیابی و رشد و توسعهٔ فراگیر و همه‌جانبه و موفقیت در امور است. بر همین اساس است که خداوند نتیجهٔ استقامت را رهایی از بیم و اندوه می‌داند.

پس هرگز نباید به خاطر منافع شخصی، کم‌حوصلگی و تنبلی یا زیاده‌خواهی، کار ناقص و معیوب تحویل مردم داد و وقت و منابع آن‌ها و گاهی سلامتی آن‌ها را به خطر انداخت. و چه زیبا فرمود پیامبر اکرم(صلی‌الله علیه و آله و سلم): «سَلُوا اللهَ السَّدَادَ وَ سَلُوهُ مَعَ السَّدَادِ سَدَادَ العَمَلِ»: (از خداوند استواری و دوری از سستی و تنبلی و همراه با آن اتقان و استواری در کارها را طلب نمایید) [الحیاة، ج ۱، ص ۲۷٤] علت اصلی تأکید فرهنگ اسلامی ما بر اتقان و استواری در کارها این است که خداوند متعال جهان را محکم و استوار و بدون عیب و خلل و به دور از هرگونه ضعف و سستی و با قواعدی محکم و استوار ساخته است و از بندگانش نیز انتظار استواری، استقامت، اتقان، محکم کاری و دوری از عیب و نقص و تنبلی در امور را دارد.

ارزشیابی عملکرد برای اثبات کیفیت و اتقان در امور

بدون شک یکی از بهترین راه‌ها برای اثبات اتقان و استواری کارها، بی‌عیب و نقص بودن طرح‌ها و برنامه‌ها، صداقت و پاک دستی افراد، توانمندی و شایستگی کارگزاران، ارزیابی از عملکرد افراد و طرح‌هاست.

این ارزیابی گاهی با آزمون عملی و فنی و مشاهدهٔ آثار و نتایج کار است، گاهی با مشاهده و بررسی میدانی از آثار و نتایج عملکردها و گاهی نیز با ارسال نمایندگان و بازرسان امین و صادق برای بررسی آثار و نتایج کسب و کارها. لذا امام علی(علیه‌السلام) در نامهٔ ۵۳ «نهج‌البلاغه» به **مالک اشتر** دستور می‌دهد افراد خاصی را مأمور کند تا از وضع معیشت مردم مخصوصاً افراد ضعیف مطلع شوند تا برای گره‌گشایی از کار آن‌ها اقدامات لازم صورت گیرد. «مأموران امین، فروتن و خدا ترس خود را برای رسیدگی به احوال ایشان گسیل بدار تا کارهای آن‌ها را به تو گزارش کنند.»

و در جای دیگری از همین نامه می‌فرماید: «نباید

خادم و خائن نزد تو یکســان باشند وگرنه خائن در خیانت خود گستاخ‌تر و خادم از خدمت خود مأیوس می‌شود.» بنابراین برای اصلاح امور و تحقق عدالت فراگیــر و توســعهٔ همه جانبه در همــهٔ عرصه‌های اخلاقی، تربیتی، عملی و آموزشی باید از عملکردها توسط افراد امین، صادق، کار بلد و پرهیزکار ارزیابی به عمل آید، وگرنه فساد به تدریج در همهٔ نهادهای اجتماعی و در سطح جامعه گسترش می‌یابد و بنیان جامعه را فاسد و ویران می‌کند. این امر در نهاد بسیار مهم تعلیم‌وتربیت که اساس اقتدار، سلامت، رشد و توسعهٔ فراگیر و گســترش اخلاق و معنویت در این نظام شکل می‌گیرد، بسیار مهم‌تر است.

از ایــن‌رو، ارزیابی از عملکــرد هنرآموزان، مربیان و کارگزاران آموزش‌وپرورش از یک‌ســو و ارزیابی از توانایی‌ها و شایســتگی‌های عملــی، فنی و اخلاقی هنرجویان و فراگیرندگان توســط معلمان، دبیران و هنرآموزان از ســوی دیگــر، از وظایف مهم نظام تعلیم‌وتربیت اســت تــا کیفیــت آموزش‌وپرورش نســل‌های حال و آینــدهٔ جامعه فــدای کمیت‌ها، مدرک‌گرایی و اَغراض خاص جناحی و گروهی نشود و شایســتگی و توانمندی و تفکر و تعقل جای خود را به مدرک‌گرایی ندهد. چون نتیجهٔ نادیده گرفتن شایستگی‌های فراگیرندگان و تنبلی و سستی در این زمینه، سبب ظهور کارگزاران، مهندسان، پزشکان، استادکاران و معلمانی است که سواد و توانایی لازم برای انجام درســت و بی‌عیب و نقص امور را ندارند. آن‌گاه جاده‌ها و ســاختمان‌ها ناامن خواهند شــد، پزشکان در طبابت کیفی و مؤثر ناتوان خواهند شد، حاکمــان و کارگزاران درد مــردم را درک نخواهند کرد، زمین‌های کشــاورزی و دیگــر منابع طبیعی هدر خواهند رفت و در نهایت جامعه غرق در فســاد و اســراف و بی‌عدالتی خواهد شــد. لــذا ارزیابی از عملکرد نهاد تعلیم‌وتربیت به مراتب از سایر نهادهای اجتماعی و اقتصادی دیگر مهم‌تر و اساسی‌تر است.

نتیجه‌گیری

نظام تربیت رسمی و عمومی کشور ما باید زمینه‌ساز شایستگی‌هایی باشــد که آحاد جامعه بتوانند به مدد آن‌هــا به صورتی فعال در همهٔ عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی از جمله حیطهٔ بســیار مهم کسب و کار و معیشت و اقتصاد خانواده و جامعه مداخله و مشارکت داشته باشند و این نوع تربیت، پیش نیاز حضور فعال همهٔ افراد جامعه در فرایند تحقق مراتبی از حیات طیبه در همهٔ ابعاد اســت. این فرایند باید مداوم و مادام‌العمر و از گهواره تا گور باشد. این هدف امکان‌پذیر نیست، مگر از طریق نهادهای آموزشی، فرهنگی و تربیتی اجتماعی، اعم از رسمی و غیررســمی و در رأس همهٔ آن‌ها، نهاد بسیار مهم تعلیم‌وتربیت رسمی و عمومی کشور (مدارس، دبیرستان‌ها و هنرســتان‌ها) در کنار نهاد اجتماعی و پایــه‌ای خانواده. از جملهٔ این مــوارد، تلاش اختیاری و آگاهانهٔ آحاد جامعه برای کسب شایستگی‌های علمی، فنی و اخلاقی در درک درست از شرایط اجتماعی، ارتباط فعال و شایسته با خود، خدا، مردم و سایر مخلوقات الهی، درک و حساسیت اخلاقی و ارزشی نسبت به مسائل و مشکلات جامعه و محیط پیرامون، نقد خود و دیگران و سازوکارهای اجتماعی، تحمل نقد و داشتن سعهٔ‌صدر و بالا بودن حلم و مداراست.

در ایــن صورت افــراد جامعه می‌توانند پیوســته بر مبنای نظام معیار (تعالیم نورانی اســلام و فهم عالمان و فقهای عامــل و عادل و متقی از آن‌ها)، وضع موجود را نقــد کنند و به اصلاح و بهبود آن همت گمارند و به مراتبی از «حیات طیبه» و وضع مطلوب زندگی بشری و در نهایــت به مراتبی از قــرب الهی به عنوان غایت و هــدف تربیت الهی نائل آیند. همهٔ آیات قرآن و روایات معصومان (علیهما الســلام) درخصوص امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، تعاون، همدلی، همکاری، جهاد و مبارزه و نیز توجه خاص به نیازمندان و گرفتاران و حل مشکل آنها، تلاش آحاد جامعه برای دخالت و داشتن نقش در تعیین سرنوشت خویش و جامعه، کار و تولید و مذمت بی‌کاری و تنبلی، مسئولیت‌پذیری در ادارهٔ زندگی خود و جامعه و اصلاح روابط با خود، خدا، مردم و طبیعت و ده‌ها مورد دیگر، همگی مؤید لزوم کسب این شایستگی‌های علمی، فنی و اخلاقی برای آحاد جامعه هستند. نظام اسلامی باید با تشــکیل نهاد اجتماعی تعلیم‌وتربیت رســمی و عمومــی (مدارس و هنرســتان‌ها) و دیگر نهادهای فرهنگی و تربیتی مانند دانشگاه ها، حوزه‌های علمیه، مراکز فنی‌وحرفه‌ای، صدا و ســیما و دیگر رسانه‌های ارتباطی، زمینهٔ تحقق ایــن هدف مهم، یعنی تحقق مراتبی از «حیات طیبه» و جامعهٔ صالح را فراهم آورد، به‌گونه‌ای که همهٔ متربیان و افراد جامعه بتوانند با کسب این شایستگی‌ها (افکار، مهارت‌ها و عملکردها) به‌طور مادام‌العمر به توسعهٔ ظرفیت‌های وجودی خود و جامعه مبادرت ورزند و آزادانه و آگاهانه هر نوع کمال شایسته‌ای را که بتواند آن‌ها را به غایت خلقت و تربیت انسان، یعنی قرب الهی و مراتب مختلف آن است، برساند [سند تحول بنیادین، ص ۲۴۷، ۲۴۸، ۳۳۷، ۴۳۷ و ۴۳۸].

*** پی‌نوشت**

۱. الطاف و داده‌هــای تکوینی مانند عقل، فطرت، وجدان، حواس پنجگانه ـ الطاف و نعمت‌های تشــریحی الهی مانند انبیای الهــی و ائمهٔ اطهار(ع) و کتب آسمانی.

*** منابع**

۱. قرآن کریم
۲. سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.
۳. مبانــی نظری تحــول بنیادین در نظام تعلیم‌وتربیت رســمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.
۴. الحیــاة. حکیمــی، محمدرضا و برادران، دفتر نشــر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.